

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Examining the Origin and Causes of Omission by Government Officials and Its Impact on Administrative Transparency and Integrity

Rahmatollah Mohammadi¹, Khairollah Parvin^{*2}, Ahmad Momeni Rad³

1. PhD Student, Department of Public Law, Kish International Campus, University of Tehran, Iran

2. Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: khparvin@ut.ac.ir

ABSTRACT

The omission or failure to act by government officials in Iran has become a destructive phenomenon that undermines organizational ethics and contributes to the spread of corruption. This issue is a key concern in public law and entails broad social, economic, and legal consequences. Omission impairs public trust in government, leads to socio-economic disruptions, halts development projects, decreases institutional efficiency, undermines national economic stability, and creates hesitation among investors. The primary objective of this study is to investigate the causes of this affliction and propose remedial strategies for enhancing administrative transparency and integrity. Among the causes of omission are deliberate negligence, the imposition of illegitimate demands, the dependency of the economy on the state, the impact of sanctions, ambiguities and inconsistencies in supervisory legislation, overlapping functions of oversight institutions, inefficiencies in financial laws, political pressures, misuse of public funds and assets, fear of legal prosecution, lack of precise definition of public rights, weak enforcement mechanisms, and politically motivated appointments. In the Iranian legal framework, the responsibility of government officials is based on the fault theory. Omission manifests in various forms such as failure to report crimes, misuse of funds, delays in public projects, neglect in supervisory duties, bribery, and carelessness in safeguarding confidential information. To counter this phenomenon, the following strategies are recommended: scientific analysis of causes and consequences, reform of policies and oversight mechanisms, improved project management, clear definition of public rights, restructuring of the national supervisory framework, enhancement of transparency in executive agencies, strengthening of public oversight, and the development of more precise laws regarding state and civil service accountability. Emphasizing transparency, oversight, and proper implementation of financial and budgetary laws is imperative.

Keywords: Omission by government officials, administrative corruption, state accountability, transparency, oversight, Iranian laws, consequences, causes, countermeasures.

How to cite: Mohammadi, R., Parvin, K., & Momeni Rad, A. (2024). Examining the Origin and Causes of Omission by Government Officials and Its Impact on Administrative Transparency and Integrity. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 137-152.



تاریخ ارسال: ۲۴ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ بازنگری: ۸ خرداد ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۵ خرداد ۱۴۰۳
تاریخ چاپ: ۴ مرداد ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

بررسی منشا و علل ترک فعل مدیران دولتی و آثار آن بر شفافیت و سلامت اداری

رحمت اله محمدی^۱، خیراله پروین^{۲*}، احمد مومنی راد^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، ایران

۲. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: khparvin@ut.ac.ir

چکیده

ترک فعل مدیران دولتی در ایران به پدیده‌ای مخرب تبدیل شده که موجب تضعیف اخلاق سازمانی و گسترش فساد می‌شود. این مسئله، از جنبه‌های کلیدی حقوق عمومی است و پیامدهای گسترده اجتماعی، اقتصادی و حقوقی به دنبال دارد. ترک فعل، با کاهش اعتماد عمومی به دولت، ایجاد مشکلات اقتصادی-اجتماعی، تعطیلی پروژه‌ها و افت کارایی سازمان‌ها، به ثبات اقتصادی کشور آسیب می‌رساند و سرمایه‌گذاری را دچار تردید می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی علل این عارضه و ارائه راهکارهای اصلاحی برای شفافیت و سلامت اداری است. از جمله علل ترک فعل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قصور عمدی، تحمیل خواسته‌های نامشروع، وابستگی اقتصاد به دولت، تأثیر تحریم‌ها، ابهام و پراکندگی قوانین نظارتی، تداخل وظایف نهادهای نظارتی، ناکارآمدی قوانین مالی، فشارهای سیاسی، سوءاستفاده از بودجه و اموال عمومی، ترس از پیگرد قضایی، عدم تعریف دقیق حقوق عامه و ضعف ضمانت اجرا، و انتصاب‌های سیاسی. مسئولیت مدیران دولتی در ایران بر اساس نظریه خطا (تقصیر) است. ترک فعل در اشکال مختلفی نظیر عدم گزارش جرایم، سوءاستفاده از بودجه، تأخیر در پروژه‌ها، اهمال در نظارت، اخذ رشوه و بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات بروز می‌یابد. برای مقابله با این پدیده، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود: بررسی علمی علل و پیامدها، اصلاح سیاست‌ها و مکانیسم‌های نظارتی، بهبود مدیریت پروژه، تبیین دقیق مفهوم حقوق عامه، اصلاح ساختار نظارتی کشور، افزایش شفافیت در عملکرد دستگاه‌های اجرایی، تقویت نظارت عمومی و تدوین قوانین دقیق‌تر برای مسئولیت دولت و کارکنان. تأکید بر شفافیت، نظارت و اجرای صحیح قوانین مالی و بودجه‌ای ضروری است.

کلیدواژگان: ترک فعل مدیران دولتی، فساد اداری، مسئولیت دولتی، شفافیت، نظارت، قوانین ایران، پیامدها، علل، مقابله.

نحوه استناددهی: محمدی، رحمت اله، پروین، خیراله، و مومنی راد، احمد. (۱۴۰۳). بررسی منشا و علل ترک فعل مدیران دولتی و آثار آن بر شفافیت و سلامت اداری. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۱۵۲-۱۳۷.

وابستگی باعث می‌شود ترک فعل مدیران در حوزه‌های کلان اقتصادی، از جمله بخش‌های بانکداری، صنعت و تجارت، پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور را مختل کند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹، ص ۱۲).

به طور مثال ترک فعل مدیر بانک مرکزی یا وزیر اقتصاد می‌تواند به عدم استقرار سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی منجر شود (Zarei, 2017) و باعث ناتوانی در اجرای اهداف مشخص شده گردد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸، ص ۳۴). همچنین، ترک فعل مدیران باعث بروز اخلاص در تعاملات اقتصادی بین دولت و بخش خصوصی می‌شود (R. Mohammadi, 2019). این اخلاص منشأ از بین رفتن توازن و هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی دولت و بخش خصوصی می‌شود (پژوهشکده اقتصاد، ۱۴۰۰، ص ۹۱).

با توجه به وابستگی اقتصاد به سیاست‌ها و تصمیمات دولتی در ایران ترک فعل مدیران دولتی عدم امکان پیش‌بینی در روند اجرای سیاست‌های اقتصادی را به همراه خواهد داشت. بررسی دقیق این ارتباط و آثار آن می‌تواند نقاط ضعف و نیازهای اصلاحی در مقررات مربوط به ترک فعل مدیران دولتی را شناسایی کرده و به بهبود اداره امور اقتصادی و استقرار عدالت اقتصادی منتج شود. پرونده‌های کیفری متعددی مرتبط با ترک فعل مدیران دولتی در مراجع مختلف قضایی از جمله دادسرای رسیدگی به جرایم کارکنان دولت و دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تشکیل شده است (Ahmadi, 2020b). پرونده‌های تشکیل شده در ارتباط با جرایم اقتصادی کارکنان دولت در بخش ترک فعل مدیران و کارکنان دولت تنها نمونه‌ها و نشانگرهایی بسیار کوچک در قیاس با ترک فعل‌های عمدی و غیر عمدی فراوان کشف نشده هستند (Rezaei, 2022b). تخلفات و ترک فعل‌های مکشوفه شامل طیف گسترده‌ای از قصور و تقصیر مدیران دولتی است. تأخیر در اجرای پروژه‌های ملی، نقض قوانین مربوط به مالیات و

موضوع ترک فعل مدیران دولتی در مقررات ایران یکی از جنبه‌های حیاتی و مهم در حوزه حقوق عمومی است که توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. این مساله از منظر حقوق عمومی، به عنوان یک موضوع پژوهشی قابل تأمل، امور مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی گسترده‌ای را در بر دارد که به تحلیل دقیق و عمیق نیاز دارد (B. Mohammadi, 2019; R. Mohammadi, 2019). بررسی علل و پیامدهای ترک فعل مدیران دولتی در مقررات ایران به طور معتبر و علمی، یک ضرورت برای درک عمیق این مسئله است.

در تایید جایگاه و اهمیت این موضوع می‌توان به اهمیت و تأثیر این پدیده بر شادابی و امید جامعه و ارتقای اعتماد مردم به نظام در صورت کاهش فراگیری ترک فعل مدیران اشاره کرد (F. Ghasemi, 2018; Ghasemi, 2018). ترک فعل مدیران به عنوان یک پدیده حقوقی و اجتماعی، منجر به فساد اداری، تضعیف اعتماد عمومی به دولت، مشکلات اقتصادی و اجتماعی، تعطیلی پروژه‌های مهم و کاهش کارایی سازمان‌های دولتی می‌شود (Zarei, 2018). این امر باعث شده است محققین و تحلیلگران مختلفی به بررسی علل، پیامدها و راه‌های پیشگیری و مقابله با این پدیده بپردازند (Ahmadi, 2020a).

ترک فعل مدیران دولتی همچنین تأثیر بسزایی بر توقف توسعه و رشد اقتصادی دارد (Z. Karimi, 2021). ترک وظایف مدیران در کنار نقض مکرر و عدم ثبات قوانین، باعث تردید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و کاهش جذب سرمایه در کشور می‌شود (Norouzi, 2019, 2020). تشکیک سرمایه‌گذاران منجر به عدم بهره‌وری منابع شده و در نتیجه، منحنی رشد اقتصادی کشور در مسیر شیب منفی قرار خواهد گرفت (غفاری، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲). وابستگی نظام اقتصادی به دولت و تصمیمات مدیران دولتی یکی از ویژگی‌های نظام اقتصادی ایران است (Rezaei, 2022a). این

استفاده نادرست از منابع عمومی تنها بخش‌های کوچکی از این قسم مشکلات و معضلات را تشکیل می‌دهند (Mohammadi, 2021).

در دنیای علمی و حقوقی، بررسی این پرونده‌های کیفری به منظور شناسایی الگوها و روش‌های پیشگیری و مقابله با این مسائل بسیار حائز اهمیت است (L. Karimi, 2021).

عدم اجرای صحیح و دقیق مقررات اقتصادی، نقض جدی در حقوق اقتصادی کشور است. بطور مثال عدم رعایت قوانین مالیاتی یا استفاده نامناسب از بودجه عمومی موجب ایجاد تورم نوسانات بازار و ایجاد بحران‌های مالی می‌شود. انواع ترک فعل مدیران آثاری مستقیم و غیر مستقیم بر اقتصاد کلان و رشد پایدار کشور داشته و نیازمند توجه و تدابیر جدی از سوی مسئولان دولتی و نظام قانون گذاری کشور است.

علاوه بر مشکلات اقتصادی ترک فعل مدیران دولتی ارتباط مستقیمی با مشکلات و بی ثباتی‌های اجتماعی دارد. نقض قوانین و مقررات منجر به ناتوانی در ارائه خدمات اجتماعی و بهداشتی توسعه زیرساخت‌های آموزشی و بهبود شرایط زندگی جامعه می‌شود. این وضعیت باعث نارضایتی مردم و کاهش اعتماد به نظام سیاسی و اجتماعی می‌شود که از طریق آن تضعیف اراده ملی و همبستگی اجتماعی را تجربه می‌کنیم.

تحریم‌های مختلف اعمال شده علیه کشور و رفتار مدیران، یک رابطه دوسویه بوده که تعمیق هر یک از آن‌ها می‌تواند بر بروز آثار و تبعات دیگری تأثیرات شگرف مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد (Karimi, 2020). تشدید تحریم‌های ظالمانه علیه ایران می‌تواند نقش مهمی در تحولات و رفتار مدیران دولتی در قبال مقررات داشته باشد (احمدی و رضایی، ۱۴۰۰). این تحریم‌ها منجر به کاهش منابع مالی و فشارهای بیشتر بر دولت و نظام مالی می‌شود که ممکن است باعث ایجاد نوعی از ترس یا امتناع در اجرای دقیق مقررات و قوانین شود (Mohammadi, 2022).

این وضعیت موجب کاهش توان دولت در اداره و مدیریت امور شده و به عدم اجرای صحیح و قاطع قوانین منجر می‌گردد (Ghasemi, 2022). از طرفی ترک فعل مدیران در مواجهه با تحریم‌های غیرمعمول و ظالمانه به گسترش و تعمیق آثار این تحریم‌ها کمک می‌کند (Zarei, 2017).

پراکندگی و گاهی تعارض قوانین نظارتی و ابهام در این مقررات نیز از جمله عواملی است که به ترک فعل مدیران دولتی و مشکلات اقتصادی کشور منجر می‌شود (احمدی، ۱۳۹۹). عدم شفافیت قوانین و مقررات نظارتی ممکن است باعث ابهام استانداردهای حاکم بر وظایف مدیران دولتی گردد (رضایی، ۱۴۰۱). این نقص می‌تواند باعث لغزش مدیران و گرایش آن‌ها به ترک وظایف محوله گردد. ابهام یا نقص قوانین نظارتی راه‌های فرار از مسئولیت را برای مدیران هموار کرده و این امر منجر به انحراف از مسیر قانونی و ترک وظایف اجرایی مدیران می‌شود (Mohammadi, 2022).

به عنوان مثال اگر قوانین نظارتی مربوط به مدیریت مالی یا انجام پروژه‌ها به وضوح تعیین نشده یا دارای ابهام باشند، مدیران ممکن است از این شرایط بهره جسته و به ترک فعل متمایل گردند (L. Karimi, 2021). بنابراین تبیین ارتباط میان ترک فعل مدیران از یک طرف و تعارض قوانین نظارتی یا رفع ابهامات این مقررات از طرف دیگر بسیار حیاتی بوده و تأمین امنیت اقتصادی و روانی جامعه نیازمند بررسی دقیق آثار این ارتباط می‌باشد (Ghasemi, 2022).

تعدد نهادهای مختلف نظارت کننده بر عملکرد مدیران دولتی گاهی به جایی می‌رسد که تداخلات میان این نهادها باعث ایجاد شرایط مطلوب برای ترک فعل مدیران می‌شود (Zarei, 2017). این تداخلات می‌توانند موجب ابهام در مسئولیت‌ها، تأخیر در تصمیم‌گیری و کاهش اثربخشی اقدامات نهادهای نظارتی گردد (Soleimani, 2019a, 2019b). مزیت اصلی نهادهای نظارتی

تبدیل شود. بطور مثال نبود یک ساختار مؤثر و کارآمد برای مانیتورینگ و پیگیری موارد مشکوک عدم تعیین دقیق وظایف و مسئولیت‌ها و همچنین نبود فرآیندهای شفاف و سریع برای رسیدگی به تخلفات می‌تواند باعث کاهش توانمندی سازمان بازرسی کل کشور و در نتیجه بروز ترک فعل مدیران دولتی شود. علاوه بر این ناتوانی در اجرای پیشنهادات و توصیه‌های ارائه شده توسط سازمان بازرسی کل کشور نیز از دلایل دیگری است که می‌تواند ترک فعل مدیران را تشدید کند. اگر پیشنهادات بازرسی به درستی اجرا نشوند و مدیران مجری عملیات تصمیمات اصلاحی را انجام ندهند، این وضعیت باعث کاهش اعتماد عمومی به سازمان بازرسی و همچنین به دولت به عنوان یک نهاد نظارتی و اجرایی می‌شود که ممکن است اراده مدیران را برای ترک وظایف تقویت کند.

کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی یکی از ارکان مهم و حیاتی در پیگیری تخلفات اداری و رسیدگی به ترک فعل مدیران محسوب می‌شود. عدم تخصیص منابع و استخدام پرسنل کافی برای این کمیسیون کاستی‌های ساختاری و عملکردی این نهاد یا حتی نقصان در قانون یا دستورالعمل‌های مرتبط با فعالیت این کمیسیون می‌تواند در ایفای تعهدات محوله کمیسیون اختلال ایجاد کند. استقلال کافی از دیگر نهادها تعارض منافع و ابهام در مسئولیت‌ها و اختیارات این کمیسیون از مواردی است که نیازمند بررسی و کنکاش بیشتر می‌باشد.

جامع و کامل بودن قانون محاسبات عمومی و عملکرد صحیح و منطبق بر قانون مدیران دولتی دو روی یک سکه هستند. قانون محاسبات عمومی ابزاری است که جهت اطمینان از بهره‌وری و شفافیت در مدیریت منابع مالی دولتی طراحی شده است. با این حال بروز مشکلات در اجرای این قانون می‌تواند باعث ناتوانی در کنترل و نظارت مناسب بر عملکرد مدیران دولتی شود.

در پیگیری صحیح عملکرد مدیران و اجرای صحیح مقررات است. اما تعدد این نهادها می‌تواند به تداخل در اختیارات و وظایف آن‌ها منجر شود. چنانچه چندین نهاد نظارتی به صورت همزمان بر یک مسئله نظارت داشته باشند و درخواست‌ها و اعلامیه‌های متفاوتی در خصوص وظایف و عملکرد مدیران ارائه کنند، ممکن است مدیران از این وضعیت سوءاستفاده کرده و در نهایت به دلیل ابهامات و ناهماهنگی‌ها از اجرای مقررات امتناع کنند (H. P. Hosseini, 2023; S. Hosseini, 2023).

عدم هماهنگی و همسویی نهادهای نظارتی می‌تواند به یک رقابت ناپایدار بین این نهادها منجر شود که در نتیجه مدیران ممکن است با نادیده گرفتن تأثیر واقعی و جدی هر یک از این نهادها تصمیماتی بر اساس انتخابات شخصی یا معیارهای غیراصولی اتخاذ کنند (Bahrami, 2018). این مسائل نشان‌دهنده اهمیت بررسی و تحلیل تداخلات نهادهای نظارتی در جلب توجه مسئولان و قانون‌گذاران به منظور اصلاح و بهینه‌سازی ساختار نظارتی کشور است (Jalili, 2020).

ترک فعل مدیران دولتی ارتباطی عمیق و تنگاتنگ با عملکرد و توانمندی سازمان بازرسی کل کشور دارد (H. Mousavi, 2022; S. Mousavi, 2022). نقایص در مقررات این سازمان و نحوه عملکرد آن می‌تواند باعث به وجود آمدن شرایط مساعدی برای ترک فعل مدیران شود (Norouzi, 2019, 2020). یکی از دلایل این ارتباط، تأخیر در ارائه گزارش‌های بازرسی و عدم پیگیری مستمر و جدی نتایج این گزارش‌ها توسط مراجع قضایی و اجرایی است (E. Sharifi, 2021). این تأخیرها می‌تواند باعث ناتوانی در شناسایی و پیگیری موارد تخلفات مدیران شده و زمینه مناسب برای بروز ترک فعل مدیران فراهم کند (Sadeghi, 2018).

ضعف در ساختار و روش‌های ایفای نقش سازمان بازرسی کل کشور، می‌تواند به ایجاد بستری برای ترک فعل مدیران دولتی

یکی از مشکلات قابل توجه قانون مذکور جایگاه نهادهای نظارتی در آن قانون و نحوه و تداخل عملکرد این نهادها بوده که بررسی این مهم یکی از مباحث کلیدی نوشتار پیش رو خواهد بود.

عدم رعایت و اجرای صحیح مفاد قانون محاسبات عمومی توسط مدیران دولتی می‌تواند به تشکیل بستر ترک فعل مدیران دولتی منجر شود. وجود فشارهای سیاسی، نقض اصول شفافیت و اختلاف در تعیین مسئولیت‌ها می‌تواند عاملی برای نادیده گرفتن این قانون و نقض آن توسط مدیران دولتی باشد. این موضوع می‌تواند منجر به فرار مدیران از اجرای وظایف و مسئولیت محوله و عدم اجرای مفاد قانون شود. ایجاد شفافیت در فرآیندهای نظارتی می‌تواند به پیشگیری از ترک فعل مدیران دولتی کمک کرده و اصول شفافیت و انضباط مالی در دولت را تضمین نماید.

قوه قضاییه به عنوان یکی از ستون‌های اصلی ساختار قانونی کشور مسئولیت اعمال عدالت و نظارت بر اجرای قوانین را بر عهده دارد. کوتاهی یا ناتوانی در نقش وظیفه ای قوه قضاییه می‌تواند بر ترک فعل مدیران دولتی تأثیرگذار باشد. یکی از اصلی‌ترین مشکلات این کوتاهی ممکن است نبود یا نقصان در نظارت موثر بر کارکردهای اجرایی توسط این قوه باشد.

تأخیر در تمرکز و توجه عمیق، دقیق و سریع به امور مربوط به اجرای قوانین می‌تواند بر ترک فعل مدیران دولتی تأثیرگذار باشد (احمدی، ۱۳۹۹). این امر می‌تواند انگیزه مدیران را برای عدم رعایت و اجرای صحیح قوانین کاهش داده و به آن‌ها احساس امتیاز و آسایش نسبی در عدم اجرای قانون را بخشیده و نهایتاً ترک فعل را ترویج نماید (رضایی، ۱۴۰۱). ایجاد سیاست‌ها و تدابیری جهت تقویت و توسعه نظارت و عملکرد سریع‌تر و کارآمدتر این قوه می‌تواند نقش مؤثری در کاهش ترک فعل مدیران داشته باشد (Mohammadi, 2021).

ترک فعل مدیران دولتی می‌تواند با سوءاستفاده از اموال عمومی و بودجه کل کشور همراه باشد (Karimi, 2019). سوءاستفاده از

اموال عمومی توأم با ترک فعل، توسط مدیران دولتی در جنبه‌های گوناگون بروز و ظهور پیدا می‌کند. نادیده گرفتن مصوبات و قوانین مالی دولت یکی از وجوه تخلف و ترک فعل مدیران محسوب می‌شود (P. Ghasemi, 2018). این امر به طور غیرمستقیم باعث تخلفات مالی و اقتصادی می‌شود (Zarei, 2017; Zarei et al., 2017). همچنین سوءاستفاده از اموال عمومی می‌تواند منجر به تضییع منابع مالی کشور شود، به خصوص زمانی که این مصارف به گونه‌ای صورت می‌گیرد که با اصول مدیریت مالی منطبق نباشد (Soleimani, 2019a). به عنوان مثال، استفاده نادرست یا غیرضروری از بودجه‌ها و منابع مالی می‌تواند منجر به اتلاف و ضایع شدن منابع کشوری گردد (Hashemi, 2023). همچنین، سوءاستفاده از اموال عمومی توسط مدیران دولتی ممکن است به کاهش اعتماد عمومی به دولت و نظام مدیریتی کشور منجر شود (H. Mousavi, 2022). وقوع تخلفات و سوءاستفاده‌های مالی، می‌تواند باعث افزایش یأس و ناامیدی و گسترش مشکلات اجتماعی شود (Norouzi, 2020). این اتفاقات نه تنها تضییع منابع مالی را به همراه داشته، بلکه به تخریب اعتماد عمومی به نظام دولتی نیز منجر می‌شود (A. Sharifi, 2021).

بدیهی است که کاهش سوء استفاده‌های مالی و اجتناب از ترک فعل مدیران دولتی امری بسیار حیاتی است که نیازمند افزایش نظارت، شفافیت و حساسیت نسبت به اجرای صحیح و مستند قوانین مالی و بودجه ای است. اصلاح و ارتقاء سیاست‌ها و مکانیسم‌های نظارتی می‌تواند، در این راستا کمک کننده باشد تا سو استفاده از اموال عمومی و ترک فعل مدیران دولتی کاهش یابد. طولانی شدن و تاخیرات مکرر در اجرای پروژه‌های دولتی و از حیز انتفاع افتادن پروژه به جهت بهره برداری خارج از زمان مقرر یکی از رایج ترین آثار ترک فعل مدیران اجرایی بوده که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

است مدیران را به ترک فعل واداشته و آن‌ها را در اتخاذ تصمیمات سخت، محتاط و محافظه کار کند.

برخی از عواملی که منجر به احساس وظیفه محقق در باب این موضوع شده در بالا به اختصار بیان گردیده است. با توجه به ویژگی‌های خاص حاکم بر نظام اقتصادی ایران و ورود گسترده دولت به اقتصاد از طریق شرکت‌های متعدد دولتی از یک طرف و وجود منابع ملی بی پایان در کشور از طرف دیگر و همچنین تسلط مدیران دولتی بر بخش عمده ثروت، اکنون و آینده کشور به واسطه جایگاه مدیریتی خویش پرداختن هر چه بیشتر محققین به موضوع ترک فعل مدیران را بسیار برجسته و حیاتی می‌کند.

هدف کلی از انجام تحقیق حاضر کنکاش درخصوص علل بسط و توسعه عارضه ترک فعل مدیران در رده‌های مختلف مدیریتی و همچنین استخراج راه‌های مقابله با این عارضه و اصلاح رویه‌های نادرست موجود در ادارات مختلف و کمک به شفافیت و سلامت اداری و بسط و توسعه تعاون و همدلی در سایه سار شفافیت و سلامت اداری می‌باشد. علاوه بر هدف کلی، هدف فرعی از این پژوهش، تحقیق و بررسی در خصوص رشد و شکوفایی اقتصادی در پرتو سلامت اداری، افزایش اعتماد عمومی نسبت به دولت و گسترش امنیت روانی جامعه، کمک به مدیران در راستای اصلاح رویه‌های اداری مبتنی بر ترک فعل و سهولت پاسخگویی ایشان در قبال وظایف محوله، کمک به مدیران برای اقدام جسورانه و نوآوری ایشان با حذف دغدغه‌های ناشی از ترس پاسخگویی به نهادهای نظارتی در صورت ورود به مسائل پیچیده، بخشی از اهداف فرعی مدنظر است.

پیامدهای ترک فعل مدیران دولتی

ترک فعل مدیران دولتی، پیامدهای منفی و گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف به دنبال دارد. این پدیده به فساد فراگیر سازمانی و اضمحلال اخلاق در ارگان‌های مختلف منجر می‌شود. گسترش ترک فعل، ناکارآمدی دولت، فساد مالی و نارضایتی عمومی را در

در برخی موارد عدم تعیین و رصد دقیق زمان بندی‌ها و تعهدات مالی مرتبط با پروژه‌های دولتی می‌تواند به تأخیرات و تغییرات ناگهانی در پروژه‌ها منجر شود که این مسئله می‌تواند زمینه ساز ترک فعل مدیران باشد. بعلاوه نقصان در توانایی مدیریتی، عدم تخصیص منابع کافی و عدم کفایت در برنامه ریزی و اجرای پروژه‌ها می‌تواند به تأخیرات در اتمام پروژه‌ها و بالا رفتن هزینه‌ها منجر شود که این وضعیت ممکن است ترک فعل را تشویق نماید. عدم توجه به مدیریت موثر زمان و منابع یکی از دلایل اصلی تأخیر در پروژه‌های دولتی بوده و باعث ناکامی در اجرا و اتمام پروژه‌ها می‌گردد این مسائل می‌تواند باعث تعقیب قانونی مدیران به دلیل ترک فعل شود اما در عمل این مهم از دید بسیاری از مراجع نظارتی و کنترلی مخفی مانده است.

بنابراین طولانی شدن پروژه‌های دولتی می‌تواند به عنوان یکی از آثار مهم ترک فعل مدیران دولتی مطرح گردد. اقداماتی برای بهبود فرایند مدیریت پروژه‌ها و ارتقاء کیفیت نظارت می‌تواند به کاهش این مشکل و جلوگیری از ترک فعل مدیران دولتی کمک کند. ترس از تعقیب قضایی به بهانه‌های واهی یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند مدیران دولتی را در اتخاذ تصمیمات جسورانه و نوآورانه با تردید جدی مواجه کند. این ترس ممکن است به علت وجود شواهد و مدارکی درباره نقض احتمالی قوانین یا احتمال مواجهه با دستگاه‌های قضایی و گرفتاری در پیگیری قضایی ایجاد شود. ترس از پاسخ گویی قضایی ممکن است باعث شود، که مدیران از انجام وظایف و مسئولیت‌های خود دست بکشند یا در اتخاذ تصمیمات مدیریتی حیاتی تردید کنند.

وجود قوانین مبهم واهی یا تعارضی می‌تواند مدیران را در مواجهه با تصمیم گیری‌های پیچیده دچار تردید جدی کند. ترس از تعقیب قضایی به جهت اتخاذ تصمیمات توأم با ریسک، مدیران را بر آن می‌دارد، عطای تصمیمات حیاتی مشکوک و افترا را به لقای آن ببخشند. همچنین فشارها و تأثیرات سیاسی و اجتماعی ممکن

پی دارد و به عنوان یک پدیده حقوقی و اجتماعی، اعتماد عمومی به دولت را تضعیف می‌کند. پیامدهای این معضل شامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی گسترده، تعطیلی پروژه‌های مهم و کاهش کارایی سازمان‌های دولتی است. ترک فعل تأثیر بسزایی بر ثبات اقتصادی کشور دارد و باعث توقف توسعه و رشد اقتصادی می‌شود. این امر با ایجاد تردید در سرمایه‌گذاران و کاهش جذب سرمایه، منجر به عدم بهره‌وری منابع شده و منحنی رشد اقتصادی را در مسیر شیب منفی قرار می‌دهد. وابستگی اقتصاد به دولت و تصمیمات مدیران، سبب می‌شود که ترک فعل مدیران، پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور را در بخش‌های مختلف مانند بانکداری، صنعت و تجارت مختل کند. همچنین، عدم اجرای صحیح مقررات اقتصادی مانند قوانین مالیاتی یا استفاده نامناسب از بودجه عمومی، بحران‌های مالی، تورم و نوسانات بازار را به دنبال دارد.

علاوه بر مشکلات اقتصادی، ترک فعل مدیران دولتی ارتباط مستقیمی با مشکلات و بی‌ثباتی اجتماعی دارد. نقض قوانین و مقررات، به ناتوانی در ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و توسعه زیرساخت‌ها منجر می‌شود. این پدیده همچنین با ایجاد نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به نظام سیاسی و اجتماعی، تضعیف اراده ملی و همبستگی اجتماعی را در پی دارد. در نهایت، عدم توجه به مدیریت مؤثر زمان و منابع، یکی از دلایل اصلی تأخیر در پروژه‌های دولتی است که به ناکامی در اجرا و اتمام پروژه‌ها و تضییع منابع مالی منجر می‌شود.

مبانی و اشکال مسئولیت مدیران دولتی در ترک فعل

مسئولیت مدیران دولتی دارای شرایط عمومی و اختصاصی است. در حقوق ایران، مبنای مسئولیت دولت در امور اداری بر نظریه خطا (تقصیر) استوار است. تقصیر شامل بی‌احتیاطی، سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات دولتی می‌شود. دولت در قبال اعمال زیان‌بار کارکنان خود، مستقیماً مسئول است. این مسئولیت مستقیم مبتنی بر نظریه شخصیت حقوقی است که معتقد است خطای کارمند در

حین انجام وظیفه، خطای شخص حقوقی (اداره یا ارگان دولتی) محسوب می‌شود.

نظریه خطر (مسئولیت بدون تقصیر) نیز در برخی موارد مانند ایجاد محیط خطرناک مطرح شده است. در این دیدگاه، تنها وقوع ضرر برای جبران خسارت کافی است، حتی اگر مرتکب تقصیری نداشته باشد. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بر اهمیت مسئولیت مدنی مرتکب و جرم دانستن ایجاد خطر و ضرر برای دیگران تأکید دارند، هرچند دادگاه‌های ایران معمولاً بر وجود عنصر تقصیر و علیت تأکید می‌کنند. در مقررات قانون مجازات اسلامی مسئولیت بدون تقصیر را برای دولت در قبال عمل تیراندازی مأمور تعیین می‌کند که بر اساس تئوری خطر است.

در بحث ترک فعل، مسئولیت زمانی ایجاد می‌شود که فرد وظیفه قانونی، شرعی یا قراردادی برای انجام فعلی داشته و آن را ترک کرده باشد. ترک فعل محض که فاقد چنین منشأ تکلیفی است، موجب ضمان نیست. تقصیر نیز شامل بی‌احتیاطی و سهل‌انگاری است و ترک فعل می‌تواند با فعلی ترکیب شده و منجر به ضرر گردد. انتساب نتیجه به غفلت‌کننده (مسئولیت) زمانی قطعی است که در آن شک و شبهه‌ای وجود نداشته باشد.

ترک فعل مدیران دولتی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد:

سهل‌انگاری در گزارش‌دهی تخلفات زیردستان: مدیران مشمول ماده ۱۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، مکلف به گزارش جرایم کارکنان هستند. عدم انجام این وظیفه، حتی بدون علم صریح، می‌تواند جرم و مستوجب مجازات باشد. این سهل‌انگاری نوعی "ترک فعل" محسوب می‌شود که می‌تواند شامل نادیده گرفتن علائم هشداردهنده، عدم انجام بررسی‌های لازم، تأخیر در گزارش‌دهی، پنهان‌کاری و لاپوشانی باشد.

اهمال در انجام وظایف و عدم نظارت: اهمال یا کوتاهی یا تقصیر در انجام وظیفه و عدم نظارت بر کارکنان که منجر به تضییع حقوق

تأخیر در اجرای پروژه‌ها: طولانی شدن و تأخیرات در اجرای پروژه‌های دولتی ناشی از ترک فعل مدیران اجرایی است. عدم رعایت قوانین مرتبط با پولشویی و قاچاق: اشخاص مطلع از جرائم پولشویی موظفند مراتب را به مقامات ذیصلاح گزارش دهند. عدم رعایت قوانین مرتبط با قاچاق کالا و ارز نیز می‌تواند از مصادیق ترک فعل باشد.

راهکارهای مقابله با ترک فعل مدیران دولتی

مقابله با پدیده ترک فعل مدیران دولتی نیازمند تدابیر و راهکارهای جدی است. ابتدا، بررسی دقیق و علمی علل، پیامدها، الگوها و روش‌های پیشگیری و مقابله با این پدیده امری ضروری است. در گام بعدی، اصلاح قوانین و مقررات از جمله تدوین قوانین دقیق‌تر برای مسئولیت دولت و کارکنان و نیز اصلاح و بهینه‌سازی قانون محاسبات عمومی و قوانین نظارتی حیاتی است. این امر شامل اصلاح رویه‌های نادرست موجود و رفع خلاءهای قانونی می‌شود. همچنین، بهبود ساختار نظارتی کشور، از جمله سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، دیوان عدالت اداری و دادسراها، ضروری است. این بهبود شامل رفع تداخل وظایف و افزایش کارآمدی آنهاست؛ حتی پیشنهاد ایجاد یک نهاد نظارتی مستقل از سایر سازمان‌ها نیز مطرح شده است. تبیین و اجرای حقوق عامه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است که شامل تبیین دقیق مفهوم این حقوق و ایجاد ضمانت اجرای مناسب برای وظایف مشخص شده در این حوزه و نیز ایجاد ساختار قانونی مناسب در بحث حقوق عامه می‌شود.

افزایش شفافیت با الزام دستگاه‌های اجرایی به ارائه اسناد و اطلاعات، امکان بررسی دقیق امور را فراهم می‌کند. این شفافیت، فرصت برای ارتشاء و اختلاس را کاهش داده و به مهار فساد اداری کمک می‌کند؛ در نتیجه، اعتماد عمومی به نظام اداری افزایش خواهد یافت. تقویت نظارت و آگاهی عمومی برای مبارزه با فساد

عمومی یا ایراد صدمه یا خسارت بر اموال عمومی یا منافع بیت‌المال شود، دارای وجه مجرمانه است. اهمال معمولاً متمایل به غیرعمدی بودن جرم است و احراز تقصیر مرتکب کافی دانسته می‌شود.

سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری: سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری، چه در چهارچوب قوانین باشد چه نباشد، برای اغراض شخصی، خانوادگی یا حزبی اتفاق می‌افتد. این امر زمانی محقق می‌شود که مقام اداری اختیارات سپرده شده را با هدف نامشروع یا با روشی افراطی به کار گیرد. سوء استفاده از مقام و موقعیت ممکن است ناشی از سوء استفاده از اختیارات یا سوء استفاده از صلاحیت‌های انتخابی (تشخیصی) باشد.

اخذ رشوه: اخذ وجه یا مالی به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت هر عنوان برای انجام یا عدم انجام کاری مرتبط یا غیرمرتبط با وظایف مأمور دولتی، ارتشاء محسوب می‌شود. ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی بر اهمیت مبارزه با فساد اداری و مسئولیت کیفری مدیران دولتی تأکید دارند. رویه قضایی در ایران در برخورد با جرایم ارتشاء، به ویژه در مواردی که ترک فعل مدیران دولتی دخیل بوده، رویکرد قاطعی داشته است.

بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده: بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، از جمله عدم رعایت اصول حفاظتی یا عدم ممانعت از دسترسی دشمن به این اطلاعات، می‌تواند جرم محسوب شود. این جرم فقط توسط مأمورین دولتی قابل ارتکاب است و نیاز به داشتن مسئولیت حفاظتی و دیدن آموزش لازم در مورد حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده دارد.

عدم رعایت قوانین مالی و استفاده نادرست از بودجه: عدم رعایت قوانین مالیاتی یا استفاده نامناسب از بودجه عمومی نمونه‌هایی از ترک فعل با پیامدهای اقتصادی است.

و ترک فعل امری حیاتی است و رویکرد نظارتی در مبارزه با رشوه شامل کشف موارد و ارجاع به مراجع قضایی است.

برای کاهش مشکلات ناشی از ترک فعل، بهبود فرآیند مدیریت پروژه‌ها و ارتقاء کیفیت نظارت می‌تواند به کاهش طولانی شدن پروژه‌ها و جلوگیری از ترک فعل در این زمینه کمک کند. علاوه بر این، مقابله با فساد ساختاری و انتصابات سیاسی از طریق اصلاح رویه‌ها در انتصاب مدیران و انتخاب افراد بر اساس شایستگی به جای روابط سیاسی، و همچنین اصلاح ساختار سیاسی متمرکز و غلبه دولت، می‌تواند در کاهش ترک فعل مؤثر باشد. در نهایت، توجه به معیشت مدیران و برقراری تناسب بین درآمدهای آن‌ها و نرخ تورم، می‌تواند انگیزه فعالیت‌های فسادآمیز را کاهش دهد. دامنه قوانین مبارزه با تخلفات و فساد مدیران دولتی، به ویژه در حوزه حقوق کیفری، گسترده است و شامل مقرراتی نظیر قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد اداری نیز می‌شود. این بحث، فهم عمیق‌تری از مسئولیت‌های قانونی مدیران و پیامدهای عدم اقدام آن‌ها را فراهم می‌آورد.

جرائم واقع در حوزه مدیران دولتی دارای ماهیت خاصی هستند که برای تحقق آن‌ها وجود سه رکن اصلی ضروری است. اولین رکن، عنصر قانونی است که به وجود نص قانونی مجازات‌کننده فعل یا ترک فعل اشاره دارد. دومین رکن، عنصر مادی است که شامل همان فعل یا ترک فعل مجرمانه توسط مدیر می‌شود. سومین رکن، عنصر معنوی است که به قصد یا سوءنیت مدیر در ارتکاب تخلف مربوط می‌شود و می‌تواند شامل عنصر عمدی یا غیر عمدی بودن در ارتکاب تخلف باشد.

مصادیق جرائم و تخلفات مدیران و کارمندان دولتی متنوع است و می‌تواند در حوزه‌های مختلف فعالیت آن‌ها، از جمله در انجام وظایف انتظامی و اداری، ظهور یابد. یکی از مصادیق مهم، ترک فعل مدیران به جهت عدم اعلام تخلف کارکنان تحت سرپرستی آن‌هاست. این مسئولیت زمانی محقق می‌شود که مدیر از ارتکاب

تخلف ثانوی یا حتی شروع به تخلف توسط کارمند آگاه باشد. در چنین شرایطی، اقدام سریع به اعلام گزارش امری ضروری است. در قوانین و مقررات اداری، اصول و قواعد کلی حقوق کیفری منشاء گرفته‌اند و به عنوان راهنما عمل می‌کنند. این اصول شامل اصل قانونی بودن دادرسی است که تأکید بر لزوم وجود قانون برای مجازات دارد. اصل برائت نیز از اصول اساسی است که فرد را بی‌گناه فرض می‌کند مگر خلاف آن ثابت شود. همچنین، تناسب بین جرم و مجازات از اهمیت بالایی برخوردار است تا مجازات با شدت تخلف تناسب داشته باشد. در نهایت، شخصی بودن مجازات‌ها به این معناست که پیامدهای کیفری تنها متوجه فرد مرتکب می‌شود.

جرم انگاری ترک فعل مدیران دولتی و آثار آن بر سلامت اداری
جرم‌انگاری ترک فعل مدیران دولتی و آثار آن بر سلامت اداری موضوع این فصل است. در ادامه، به بررسی مصادیق و علل ترک فعل عامدانه و آگاهانه در قالب گفتارهای ارتشاء، پولشویی، قاچاق کالا و ارز، و عدم اعلام جرم و تخلفات می‌پردازیم.

ارتشاء و تأثیرات آن

رشوه به معنای دریافت هرگونه وجه یا مال برای انجام یا عدم انجام وظایف توسط مأموران دولتی است. این عمل مجرمانه در قانون عرفی و قوانین موضوعه به شدت محکوم شده و از جمله مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی آن می‌توان به عدم اجرای عدالت، نارضایتی عمومی و تضعیف حاکمیت اشاره کرد. برای تحقق جرم ارتشاء، عامل جرم باید از عوامل حکومتی باشد؛ با این حال، داوران و کارشناسان نیز به دلیل تأثیرگذاری نظریاتشان در آرای محاکم، ملحق به افراد دولتی محسوب می‌شوند. در قوانین مختلف، از جمله قانون رسیدگی به تخلفات اداری، آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه، و قانون مدیریت خدمات کشوری، مجازات‌های سنگینی برای مرتکبین ارتشاء در نظر گرفته شده است، که شامل جبران خسارت، جزای نقدی، شلاق، و انفصال از خدمات دولتی

قضایی و اداری گزارش دهند، در غیر این صورت مشمول مجازات‌های مقرر خواهند شد.

نتیجه‌گیری

ترک فعل مدیران دولتی پدیده‌ای چندوجهی است که ریشه در عوامل قانونی، ساختاری، مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی دارد. این پدیده آثار مخربی بر سلامت اداری، شفافیت، اعتماد عمومی و ثبات اقتصادی کشور می‌گذارد. مقابله مؤثر با ترک فعل نیازمند رویکردی جامع است که شامل اصلاح و شفاف‌سازی قوانین، تقویت ساختارها و مکانیسم‌های نظارتی، تبیین دقیق حقوق عامه و ایجاد ضمانت اجرا برای آن، بهبود فرآیندهای مدیریتی، انتصاب افراد بر اساس شایستگی، و افزایش آگاهی عمومی و نظارت مردمی باشد. تأکید بر مسئولیت‌پذیری مدیران و برخورد قاطع قانونی با موارد ترک فعل، در کنار اصلاحات ریشه‌ای، برای ایجاد یک نظام اداری سالم و پاسخگو امری ضروری است. مسئولیت مدیران اجرایی در قبال ضرر و زیان ناشی از ترک فعل، با وجود سه شرط تکلیف، توانایی و رابطه سببیت بین ترک فعل و زیان، قابل تحقق است. این به آن معناست که اگر کوتاهی مدیران منجر به ضرر و زیان قطعی شود، باید پاسخگو باشند و تفاوتی بین خسارات ناشی از تقصیر یا قصور وجود ندارد. هرچند، جبران خسارات ناشی از سهل‌انگاری ممکن است بر عهده بیت‌المال باشد. از آنجا که هیچ مرجع رسمی برای جبران این خسارات وجود ندارد، تدوین قوانین دقیق برای شناسایی علت، عامل خسارت و مرجع مراجعه فرد متضرر ضروری است. علاوه بر این، گسترش آسیب‌های ناشی از ترک فعل مسئولان، منجر به تصویب قوانینی مانند قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران شده است که مسئولیت قانونی را برای مدیران در قبال اهمال و سهل‌انگاری در اجرای قانون و عدم اعلام جرایم و تخلفات تعیین می‌کند.

می‌شود. این قوانین به دنبال ایجاد یک نظام اداری شفاف و پاسخگو هستند.

پولشویی و ابعاد آن

پولشویی فرآیندی است که طی آن، منابع اصلی پول و اموال نامشروع، پنهان می‌شود تا قانونی جلوه کند. این جرم، مانند سایر جرایم، دارای سه رکن اصلی قانونی، مادی، و معنوی است. عنصر قانونی آن در قانون مبارزه با پولشویی صراحتاً جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی برای آن تعیین شده است. عنصر مادی می‌تواند به صورت فعل یا ترک فعل باشد، به این معنی که اگر شخصی از روی آگاهی و عمد از انجام وظایف خود در ارتباط با قانون خودداری کند، مرتکب جرم پولشویی شده است. ترک فعل مدیران دولتی در رعایت مفاد ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی، عواقب گسترده و مخربی بر اقتصاد و جامعه دارد، از جمله تشدید فساد مالی، کاهش اعتماد عمومی، فرار سرمایه از کشور، تشدید تورم، و تضعیف جایگاه بین‌المللی ایران

قاچاق کالا و ارز و عدم اعلام جرائم

قاچاق کالا و ارز به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد. بر اساس ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مسئولین و مأمورین دولتی که از مقام خود سوءاستفاده کرده یا در انجام وظیفه اهمال نمایند و از این طریق به صورت کلی یا جزئی، از مصوبات ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تخلف یا استنکاف کنند، به یک تا پنج سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. همچنین، ترک فعل در عدم اعلام جرائم و تخلفات نیز در قوانین مختلفی مانند ماده ۱۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. مدیران و مسئولان موظفند بلافاصله پس از اطلاع از شروع یا وقوع جرائم مربوط به فساد اقتصادی، مراتب را به مقامات

که قوانین خود عامل فساد هستند، اصلاح کردند. استفاده از سازوکارهای مقررات‌زدایی و جرم‌زدایی نیز می‌تواند به افزایش بهره‌وری نظام اداری کمک کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، برای مقابله با ترک فعل مدیران دولتی و افزایش سلامت اداری، پیشنهادهایی ارائه می‌شود: بررسی و محدود کردن اختیارات و ابزارهای قانونی گسترده در اختیار مدیران، تصویب قوانین و مقررات شفاف و بدون ابهام برای تسهیل نظارت، و ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های نظارتی متعدد با تعیین دقیق وظایف هر یک برای جلوگیری از موازی‌کاری ضروری است. همچنین، باید بر نظارت عمومی و تنبیهات اجتماعی از سوی شهروندان در قبال مسئولان متخلف تأکید شود و در تدوین استانداردهای نظارتی، جایگاه نظارتی شهروندان به طور دقیق تعریف گردد. در نهایت، ایجاد سازمان‌های مستقل مبارزه با فساد می‌تواند ابزاری قدرتمند برای نظارت بر عملکرد مقامات دولتی باشد، مشروط بر اینکه مکانیسم‌های کنترلی لازم برای مقابله با سوءاستفاده‌های سیاسی احتمالی از این ابزار پیش‌بینی شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The phenomenon of omission by government officials in Iran represents a multifaceted legal and administrative dilemma that has garnered increasing scholarly attention due to its far-reaching implications on governance, public trust, and institutional efficiency. As identified within the Iranian legal framework, such omissions refer to the deliberate or negligent failure of public officials to fulfill legal, administrative, or ethical duties. Rooted in both structural and behavioral deficiencies, this issue not only erodes organizational ethics

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که علل ریشه‌ای ترک فعل مدیران دولتی را می‌توان در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. علل فرهنگی و محیطی شامل پدیده قانون‌گریزی، عدم اطاعت از قانون و کم‌کاری مقامات دولتی است که ریشه در ارتباطات سیاسی و تخصیص پست‌های سازمانی بر اساس روابط به جای شایستگی دارد. این امر منجر به ایجاد فضایی می‌شود که در آن از مسئولان انتظار می‌رود معیارها و قوانین را نادیده بگیرند و خود را محق به سوءاستفاده از موقعیت شغلی بدانند.

علل شخصیتی و اقتصادی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ برخی مقامات به دلیل ویژگی‌های شخصیتی خاص مستعد ارتکاب جرم هستند. همچنین، عدم تناسب بین درآمد دولتمردان و نرخ تورم، آن‌ها را به سمت فعالیت‌های فسادآمیز سوق می‌دهد، از جمله دریافت رشوه برای نادیده گرفتن استانداردها یا ایجاد تأخیر عمدی در ارائه کالاها و خدمات دولتی که با کمبود عرضه مواجه هستند. در نهایت، عوامل قانونی و ساختاری نیز در بروز ترک فعل نقش بسزایی دارند. قوانین و مقررات فعلی غالباً ناکارآمد و مبهم هستند، که به مدیران دولتی اجازه می‌دهد تصمیمات خودسرانه اتخاذ کرده و از انجام وظایف خود شانه خالی کنند. در جوامع با ساختار سیاسی متمرکز، قدرت بیش از حد دولت و مدیران دولتی می‌تواند زمینه را برای انفعال فراهم آورد. برای مقابله با این معضل، باید خلأهای قانونی شناسایی و قوانین مناسبی وضع شود و در مواردی

but also catalyzes administrative corruption and inefficiency. The Iranian public sector's over-reliance on state control across economic and developmental affairs exacerbates the consequences of omission, as inaction on the part of officials often results in delayed infrastructure projects, financial mismanagement, and public service delivery failures. At the heart of the matter lies the theory of fault-based responsibility enshrined in Iranian administrative law, where officials are held accountable when their omissions are deemed negligent or deliberate. However, the

systemic ambiguity and overlap in supervisory and regulatory mechanisms have often provided loopholes that allow officials to circumvent consequences, fostering a culture of impunity and inertia. Scholars argue that this systemic permissiveness, paired with a fragile oversight architecture and inconsistent enforcement, has enabled the normalization of omission within the bureaucratic apparatus (F. P. Ghasemi, 2018; R. Mohammadi, 2019).

One of the principal causes of this omission lies in the convoluted legal and administrative structures governing oversight institutions. The duplication and interference of responsibilities among supervisory bodies, such as the General Inspection Organization, the Supreme Audit Court, and various parliamentary commissions, result in confusion over jurisdiction and dilute accountability. In many instances, lack of coordination between these institutions creates administrative voids where violations and omissions by government officials go unreported or unpunished (Soleimani, 2019a; Zarei, 2017). Furthermore, the vagueness and contradictions present in existing supervisory legislation make it difficult to determine the exact boundaries of responsibility, thereby offering officials plausible deniability when confronted with accusations of inaction (Mohammadi, 2022). Compounding the issue is the fear among officials of legal retribution and arbitrary prosecution, which leads many to err on the side of inaction rather than risk taking bold or innovative decisions (A. Sharifi, 2021). This culture of defensive governance is reinforced by political interference, where appointments and promotions are based on political loyalty rather than merit, discouraging accountability and transparency (Ghasemi, 2022). As such, the structural misalignments and institutional weaknesses not only enable omission but also disincentivize proactive public administration.

Economically, the consequences of omission are profound and multi-dimensional. The Iranian economy's dependence on centralized governance structures and public sector management renders it especially vulnerable to bureaucratic inertia. High-profile cases of omission—such as delays in implementing economic policies, failure to supervise financial institutions, and misuse of public budgets—have resulted in inflationary pressures, disruption of market mechanisms, and loss of investor confidence (Z. Karimi, 2021; Norouzi, 2019). This situation is further aggravated by external economic sanctions, which strain public resources and increase the burden on governmental institutions to act decisively and efficiently. Yet, it is precisely under such conditions that omission becomes more prevalent, as officials become reluctant to assume responsibility under high-stakes, resource-scarce environments (Mohammadi, 2022). The compounded effects of sanctions and omission create a vicious cycle of deteriorating public services, weakened economic stability, and reduced international credibility. Moreover, omission within fiscal policy implementation—such as the failure to collect taxes or monitor public expenditures—undermines national development goals and exacerbates economic inequality (Rezaei, 2022a; Zarei, 2018). The cumulative impact of these omissions not only hampers short-term policy effectiveness but also destabilizes long-term economic planning and social welfare systems.

From a legal and criminal justice perspective, omission constitutes a serious breach of public duty, with consequences that extend beyond civil or administrative liability into the realm of criminal culpability. Under Iranian penal provisions, various forms of omission—such as failure to report crimes, neglect of supervisory obligations, misappropriation of public funds, and acceptance of bribes—are treated as criminal offenses, particularly when they

result in damage to public interest or property (Ahmadi, 2020b; Karimi, 2019). Legal analyses indicate that for criminal liability to be established, three elements must be present: a statutory duty to act, the capacity to act, and a direct causal link between the omission and the resulting harm (Mohammadi, 2021). For instance, Article 13 of the Law on Promoting Administrative Health and Combating Corruption mandates managers to report violations committed by subordinates, and failure to comply is itself criminalized. In practice, however, enforcement remains inconsistent due to procedural delays, lack of transparency, and insufficient institutional capacity. In particular, courts and judicial bodies often struggle to establish intentionality and causality in omission cases, especially when faced with bureaucratic red tape or missing documentation (Sadeghi, 2018). The lack of a centralized mechanism to systematically track and penalize omission-related offenses further limits the efficacy of legal deterrents, allowing officials to exploit the gaps in administrative enforcement.

Culturally and psychologically, the normalization of omission among public officials is shaped by broader patterns of governance and social behavior. In many instances, omission is not perceived as a deviant or punishable act but rather as a strategic adaptation to a dysfunctional system. The preference for passive non-engagement over active decision-making can be attributed to a culture of risk aversion that pervades many Iranian bureaucracies (P. Ghasemi, 2018). Additionally, the use of omission as a form of political maneuvering—such as delaying actions to serve factional interests or to avoid accountability under successive administrations—has become an embedded feature of public service behavior (S. Mousavi, 2022). This phenomenon is also exacerbated by the absence of performance-based evaluation systems and the lack of incentives

for proactive leadership (E. Sharifi, 2021). As a result, omission becomes both a symptom and a cause of institutional decay, reflecting deeper issues of governance quality, ethical norms, and public sector morale. Moreover, systemic distrust between oversight institutions and executive agencies often leads to bureaucratic paralysis, where officials refrain from action to avoid being targeted for administrative or legal scrutiny (Bahrami, 2018). This environment of mutual suspicion and limited cooperation further entrenches omission as a common and unchallenged practice.

Efforts to address and mitigate omission must adopt a comprehensive and interdisciplinary approach that encompasses legal reform, institutional redesign, and cultural transformation. At the legislative level, clarifying the definition of public duties and codifying specific liabilities for omission in various administrative contexts is essential. Furthermore, reforming existing accountability laws—particularly the Public Audit Law and the Administrative Offenses Law—is necessary to eliminate ambiguities and create enforceable standards for public officials (Jalili, 2020). Organizationally, consolidating the functions of oversight institutions and streamlining their mandates can reduce inter-agency conflicts and enhance monitoring efficacy. Investment in training and capacity-building programs for public servants, particularly in ethics, risk management, and decision-making, can shift the culture of administration away from passive risk avoidance toward active responsibility-taking (S. Hosseini, 2023). Technological tools such as e-governance platforms, digital reporting systems, and real-time project monitoring dashboards can also increase transparency and traceability in decision-making processes. Perhaps most critically, insulating public administration from political interference and patronage through merit-based recruitment and

independent regulatory bodies can create the conditions for a more responsible and transparent state apparatus.

In conclusion, the omission by government officials in Iran is a pervasive issue that reflects deep-rooted structural, legal, and cultural challenges. Its impact on administrative transparency and integrity is profound, compromising both the effectiveness and legitimacy of the state. Tackling this problem requires a coordinated strategy that addresses its multifactorial causes through institutional reform, legal clarity, and cultural change. By enhancing oversight, clarifying responsibilities, and fostering a culture of public service accountability, it is possible to mitigate the consequences of omission and pave the way for more effective governance. Ultimately, the health of Iran's administrative system and the trust of its citizens hinge on the state's capacity to ensure that its officials are both empowered and compelled to fulfill their duties without evasion or neglect.

References

- Ahmadi, M. (2020a). The Impact of Delays in Law Enforcement on Managerial Negligence. *Quarterly Journal of Administrative Law*, 5(1), 45-60.
- Ahmadi, M. (2020b). *Review of Cases of Government Officials' Negligence in Prosecutor's Offices*. Mizan Legal Publications.
- Bahrani, A. (2018). Unstable Competition Among Supervisory Institutions and Its Challenges. *Journal of Legal Research*, 12(2), 45-60.
- Ghasemi, F. (2018). Ignoring Financial Laws by Managers and Its Consequences. *Quarterly Journal of Government Accounting*, 8(4), 30-45.
- Ghasemi, F. P. (2018). The Impact of Conflicting Supervisory Laws on Economic Security. *Quarterly Journal of Economic Law*, 7(4), 50-65.
- Ghasemi, P. (2018). Modern Methods of Preventing Administrative Corruption and Negligence of Managers. *Journal of Public Law Research*, 20(1), 45-60.
- Ghasemi, S. (2022). The Decline in Government Capacity Due to Sanctions and Its Consequences on Law Enforcement.
- Hashemi, S. (2023). Misuse of Budget and National Resource Wastage.
- Hosseini, H. P. (2023). The Role of the General Inspection Organization in Preventing Administrative Violations. *Legal Studies*, 18(4), 78-92.
- Hosseini, S. (2023). Challenges of Multiple Supervisory Institutions and Coordination Solutions. *Public Law Studies*, 19(1), 88-105.
- Jalili, S. (2020). The Necessity of Reforming the Supervisory Structure to Prevent Managerial Negligence.
- Karimi, H. (2020). *The Reciprocal Relationship Between Sanctions and Managerial Behavior in Iran*. Academic Publications.
- Karimi, L. (2019). Misuse of Public Assets and Its Relationship with Managerial Negligence. *Quarterly Journal of Economic Law*, 7(2), 78-92.
- Karimi, L. (2021). Analyzing Ambiguities in Supervisory Laws and Solutions to Address Them. *Journal of Administrative Law*, 13(2), 100-115.
- Karimi, Z. (2021). The Importance of Analyzing Criminal Cases in Detecting Patterns of Administrative Violations JO - National Conference on Law and Judicial Sciences.
- Mohammadi, A. (2021). Strengthening Supervision and Reducing Managerial Negligence: Practical Solutions.
- Mohammadi, B. (2019). The Financial Pressures of Sanctions and Their Impact on Managerial Decision-Making. *Financial Research Journal*, 5(1), 45-60.
- Mohammadi, R. (2019). Ambiguity in Laws and Ways to Evade Managerial Responsibility. *Journal of Law and Justice*, 10(1), 15-30.
- Mohammadi, S. (2022). Economic Crimes of Government Employees and the Challenges of Their Detection Negligence of Government Officials and Its Consequences on National Development. *Quarterly Journal of Criminal Law Studies*, 5(2), 123-140.
- Mousavi, H. (2022). Decline in Public Trust Due to Misuse of Government Assets by Managers. *Journal of Sociology of Law*, 12(3), 160-175.
- Mousavi, S. (2022). The Relationship Between the Performance of the General Inspection Organization and Managerial Negligence.
- Norouzi, H. (2019). Deficiencies in Inspection Organization Regulations and Their Impact on Managerial Negligence. *Legal Journal*, 9(2), 60-75.
- Norouzi, H. (2020). Social Consequences of Financial Misconduct by Managers. *Quarterly Journal of Social Psychology*, 10(4), 45-60.
- Rezaei, P. (2022a). The Role of Ambiguity in Supervisory Laws in the Emergence of Managerial Negligence. *Journal of Private Law*, 16(3), 120-135.
- Rezaei, P. (2022b). The Role of Speed and Efficiency in Supervision in Reducing Managerial Negligence. *Journal of Legal Research*, 16(3), 120-135.

- Sadeghi, Z. (2018). Failure to Follow Up on Inspection Results and Its Role in Managerial Negligence. *Journal of Law and Politics Research*, 11(3), 20-35.
- Sharifi, A. (2021). Delays in Inspection Reports and Their Impact on Managerial Negligence. *Journal of Criminal Law*, 14(1), 90-105.
- Sharifi, E. (2021). Erosion of Public Trust in the Government System and the Role of Managerial Negligence. *Political Studies*, 14(1), 90-105.
- Soleimani, M. (2019a). Delays in Decision-Making by Supervisory Institutions and Their Consequences. *Quarterly Journal of Management Studies*, 6(2), 70-85.
- Soleimani, M. (2019b). Mismatch Between Expenditures and Financial Management Principles and Resource Waste. *Journal of Financial Management*, 6(2), 70EP - 85.
- Zarei, N. (2017). The Overlap of Supervisory Institutions and Its Impact on Managerial Performance. *Journal of Public Administration Studies*, 9(4), 30-45.
- Zarei, N., Soleimani, M., & Bahrami, A. (2017). Financial and Economic Violations Resulting from Managerial Negligence. *Journal of Economic Studies*, 9(1), 10-25.
- Zarei, P. (2018). The Role of Managerial Negligence in Intensifying the Effects of Sanctions. *Quarterly Journal of Public Law*, 8(2), 112-125.